

فقدان فیلم خوب

نوزده فیلم، نوزده نقد

در نخستین روز دهمین دوره جشنواره فیلم کوتاه شیراز که در سینما فرهنگ برگزار شد، نوزده فیلم در دوسانس برگزار شد. در این یادداشت نقدی مختصر برای هرکدام از این فیلم ها نوشته شد

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، در نخستین روز دهمین دوره جشنواره فیلم کوتاه شیراز که در سینما فرهنگ برگزار شد، نوزده فیلم در دوسانس برگزار شد. در این یادداشت نقدی مختصر برای هرکدام از این فیلم ها نوشته شد

دانه
وقتی یک شبه روشنفکر تصمیم میگیرد روشنفکران حقیقی را نقد کند. داستان فیلم حول محور یک دانشجو است که در جریان اعتراضات، به پانزده سال حبس محکوم شده و روز آخر آزادی اش میخواهد سگش را واگذار کند، که این سطحی ترین و ساده انگارانه ترین نگاهیش که میتوانیم به قصه ی این اثر داشته باشیم.

رعایت نکردن اصول ابتدایی کارگردانی از جمله خط فرضی باعث گسست در هرگونه ارتباط گیری مخاطب با فیلم میشود.
ناجور

وقتی اژدهای صنعت را فقط با ابزار و اجزای خود میتوان از پا در آورد.

ناجور روایتگر ماجرای دختریست که در یک اتاق محصور شده و در حال مبارزه با ماشین های سخت آهنی است که گرچه در عمل شکست میخورد اما در ذهن خویش به پیروزی میرسد.

تلفیق انیمیشن و تصاویر مونوکروم و پرکنتراست و قطعی که فیلم در نظر گرفته، مفهومی که در ذهن کارگردان بوده است را تا حدودی منتقل کرده.
مارپله

وقتی همه چیز قربانی طرح و موقعیت جشنواره پسند میشود. عدم پرداخت مناسب باعث سردرگمی و گنگ بودن اثر شده است. داستان فیلم حول محور پدری است که متوجه میشود یک زن که معلوم نمیشود در خانه او چکاره است به بهانه بازی پسر او هر روز به حمام میرسد. استفاده از بازیگران نسبتا مطرح هم نتوانسته فیلم را از باتلاقی که در آن فرو رفته نجات دهد.

آمرلی

وقتی انیمیشن هم نباید از ورطه شعار مبرا باشد.

داستان حول محور یک درگیری در عراق است که طی آن امدادی از غیب به کمک طرف فلک زده دعوی میرسد.

زیستن

وقتی که یک کانسپت و مانیفست بزرگ روی قصه ای کم جان سوار میشود. داستان حول محوری یک انسان ابتدایی با گرمی شبیه به برده های مصر کهن است که در مثلثی گیر افتاده است که دستی میخواهد او را رها سازد و به زندگی بیاورد که در نهایت انسان ابتدایی علی رغم تجربه ای کوتاه از سیاهی های زندگی باز هم میخواهد پا به آن بگذارد که اینبار دیگر نه دستی به سمت او می آید و نه روزنه ای به سمت او باز میشود.

فیلم در بخش تجربی وارد شده بود ولی اثری که ما با ان مواجه شدیم داستانگوی ضد ساختار بود.

هپرا

وقتی که فضای فولکلور بر خلاف ماهیت کمک کننده و ذات مخفی کننده اش در عیوب کارگردانی و بازی ها ظاهر میشود و بالعکس مانند یک کاتالیزور حفره هارا بسرعت برملا میکند.

داستان حول محور یک بُر به اسم برفی میچرخد که در نهایت موجبات یک نذری را فراهم میکند.

خساست تدوینگر در حذف پلان های اضافی و لجه های در نیامده تیر خلاصی بود که بر پیکره بیجان فیلم زده شد.

پرده

وقتی که یک نوشته چندخطی کافی است چرا فیلم؟

دیدن تصاویر نامفهومی از پشت یک پرده که در نهایت بایک تایتل معنا پیدا میکند.

داستان حول محور ساکنان یک آپارتمان در حال تعمیرات است که دور تا دور آن پرده کشیده شده و با شیوع کرونا تعمیرات آن متوقف میشود اما پرده همچنان دور آن ساختمان میماند و اهالی آن آپارتمان بیرون را در مدتی که کرونا اپیدمی شده است را از پشت پنجره میبینند.

استفاده از تکنیک برهم نمایی نتوانسته بود اتمسفر حاکم بر آن ساختمان را در فیلم به بیننده منتقل کند.

ادامه بده

اثری سرشار از ارجاعات سینمایی و درون متنی با هدف نقد رسانه است. ارجاعاتی اعم از فیلم های مرثیه ای بر یک رویا، ارجاع به یک صحنه از فیلم پنهان میسائیل هانیکه و خونی که روی تلویزیون پاشیده شده و...

داستان حول محور فردی است که روی یک مبل به تماشای تلویزیون نشسته و ناآگاهانه مهره بازی رسانه ها میشود و با شکستن تلویزیون دست به عصیان و فرار میزند غافل از اینکه همه این مسائل در دراز مدت در او نهادینه شده است.

تک لوکیشن، تک بازیگر، عدم تکثر در اتخاذ جای دوربین عناصری که در خدمت فرم فیلم کوتاه بودند و از نقاط قوت فیلم محسوب میشدند اما تلاش در گنجاندن کانسپتی که در مدیوم کوتاه نمیگنجد و تکراری بودن ایده از نقاط ضعف این فیلم به حساب می آید.

وضعیت آرام

اجرای معمولی و قابل قبول اما طرح و فیلمنامه کلیشه ای با محوریت شرط بندی.

داستان حول محور یک دختر که شرطبندی کرده وارد خوابگاه پسرانه شود و ویدیویی از خود در فضای مجازی منتشر کند که در نهایت منجر به مرگش میشود.

بازی های نسبتا خوب نقطه قوت این فیلم به حساب می آید.

بیلاق سرد

مستندی در باره معضلاتی که عشایران از دیر باز تا الان با آن دست و پنجه نرم کرده اند. و با گسترش باغات و ساخت و ساز های مسکونی، تجاری تشدید شده است.

خودمانی بودن و بی ادعا بودن این مستند از نقاط قوت آن به حساب می آید و تکرار و پراکندگی سخنانی که از زبان مصاحبه شونده ها شنیده میشود از نقاط ضعف آن.

زنده به گور

سبزیف ایرانی، گیر کردن در یک در چرخه بی انتها.

اثری بدون دیالوگ و ساکت در اجرا، غنی و پر بار در محتوا، که هر دو از نقاط قوت این فیلم هستند.

اثری که گویا بازگو کننده حال و هوای این روز های همه ماست.

تمپو پایین و بازی نه چندان بازیگر از نقاط ضعف این فیلم به حساب می آید.

آل

اثری بر گرفته از افسانه ای ایرانی راجع به زنان باردار که در اینجا اشتباهها به بعد از زایمان موکول شده است. حرکات موزون و غلو مت یک شیرینی بیش از حد دل هر بیننده ای را میزند.

دریبل

اثری با بازی های قابل قبول ولحن شعرگونه ی کودکان.

شخصی که بر اثر حادثه ای دچار ضایعه مغزی یا نخاعی میشود رفتاری کاملا متفاوت با آن چیزی که ما در فیلم مبینیم دارد. عدم تحقیق در مورد نقش ها از جمله نقاط ضعف های این فیلم به حساب می آید.

بدون عنوان

یک قاب، یک شعار: عباس کیارستمی

بیقرار

انیمیشنی خوش ساخت راجع به اهمیت نقش مادر در خانواده.

هبوب

فیلمی که برای آدمیزاد ساخته نشده است.

وقتی که آخر هفته همراه با یک تور کویر گردی از شهر خارج میشوید و در لحظه تصمیم میگیرید فیلمی بسازید بدون آنکه فیلمنامه ای داشته باشید. آنگاه تمام محتویات کوله پشتی های دوستان را روهم ریخته و سعی در ضبط تصاویری بی سرو ته میکنید. در نهایت اگر هم کار با ذات سینما و انسان هیچ همپوشانی نداشت یک توجیه اشتباه به نام فیلم تجربی وجود دارد.

جی جی بی جی

مستندی پژوهش محور در مورد یک سبک از عروسک سازی و عروسک گردانی که ریشه قدیمی در هنر شیراز دارد با هدف ماندگار کردن این مهم که تا حدودی موفق هم بوده است. غلتیدن به ورطه مصاحبه از نقاط ضعف این فیلم به حساب می آید.

صحنه سازی

انگ ملودرام (کنش و واکنش بدون انگیزه بازیگران) ضربه مهلکی به فیلم وارد آورده است. وقتی یک تئاتر بصورت دست و پا شکسته جلوی دوربین می آید. نورپردازی و فیلمبرداری خوب از نقاط قوت فیلم به حساب می آیند.

باتان سو

زنی میانسال که تنها پل ارتباطی اش با جوانی اش یک نقاشی است.

چگونه میشود بدون آنکه جوانی را آنطور که باید پشت سر گذاشت به پیری رسید؟

داستان حول محور زنی به نام پوری است که درحال رفتن به روستایی با اسم خیالی باتان سو است با این هدف که دختری به اسم پوران پرور را پیدا کند و چشم هایی مستتر که از پشت درختها او را نظاره میکنند گویی که انگار جوانی اش است سالهاست منتظر او بوده.

فیلم به لحاظ محتوایی سودای یک مفهوم دلچسب را میدهد اما به لحاظ ساختار و اجرا تا حد کمی از پس آن برآمده.

فیلم روایت ساده و قابل قبولی دارد. دیالوگ های تصنعی از نقطه ضعف این فیلم محسوب میشود.